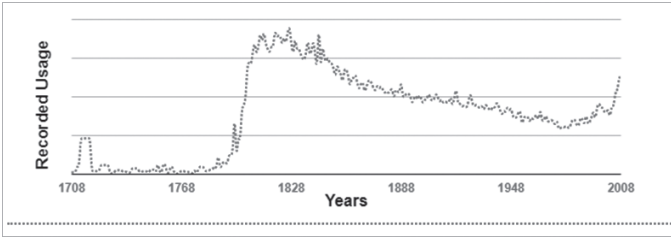


نحوه خوانش ما از
 هستی و معرفت
 می تواند بر تلقی
 ما از عدالت سایه
 بیندازد و تصویر
 و ترسیم جامعه
 عادل در نزد ما را
 تغییر دهد. این
 امر در خوانش
 تراث اسلامی و
 بازآفرینی آن بسیار
 حائز اهمیت
 است. توجه به این
 تفاوت ها را نباید به
 صرف توصیفات
 الهیاتی و فلسفی
 تقلیل داد، بلکه باید
 روش شناسی هایی
 که این مفاهیم را
 از آسمان انتزاع تا
 سطح راهبردی
 نظریه ها و کاربردی
 برنامه ریزی ها تنزیل
 می دهند، مغتنم
 شمرد.



نمودار روند کاربرد (تند شدن) واژه justice نشان می دهد که در آغاز قرن نوزدهم شاهد رونق استفاده از این واژه هستیم، اما از نیمه دوم این قرن به بعد، به کارگیری این واژه رو به افول می گذارد؛ با وجود این، در قرن ۲۱، استفاده از واژه justice رو به رونق بوده است (collinsdictionary، ذیل justice).

کهن ترین ریشه این واژه به «iustitia» برمی گردد. «یوستیتیا» عنوان یکی از اساطیر روم باستان است که بانوی عدالت انگاشته می شد. همه ما چهره یوستیتیا را با مجسمه ای می شناسیم که در برابر دادگاه های اروپایی نصب می شود؛ زنی با چشم بند که در یک دستش شمشیر و در دست دیگرش ترازو دارد. وجود چشم بند در چهره یوستیتیا بر ویژگی بی طرفی وی اشاره دارد و این آموزه را برجسته می کند که عدالت توأم با بی طرفی است. کسی که در مسند قضاوت و عدالت می نشیند، باید بدون جانب داری و هراس داوری کند (ر.ک: SMITH، ۱۸۸۰). به نظر می رسد که این معنا در آزمون فکری جان رالز و بحث پرده بی خبری انعکاس داشته و در نظریه عدالت وی تجلی پیدا کرده است.

برخی معتقدند که چشم بند یوستیتیا به «Prudentia» (حزم در عربی و پروا در فارسی) دلالت دارد. ارسطو از متفکرانی است که حزم و پروا را در سیاست مهم دانسته و در فلسفه عمل خود درباره آن بحث کرده است. به نظر وی، صرفاً با تکیه بر قوای ذهنی نمی توان به تدبیر در عرصه سیاست پرداخت. این امر تأکید و پایبندی به احتیاط و پروا را ضروری می کند. با این اوصاف، دلالت معنایی justice، دادگستری و اداره جامعه توأم با رعایت جوانب اخلاقی و مینوی است که به طبع موجب حزم و پروای دولت مردان و دادگستران از یک سو، و رعایت و تبعیت اتباع از سوی دیگر می شود. در این معنا از عدالت، بحثی از مساوات و برابری در کار نیست. عدالت در این خوانش، به شخص عدالت گستر منوط است. اوست که ضمن رعایت بی طرفی، به یک قانون مراجعه می کند و براساس آن میان افراد به قضاوت و داوری می نشیند. به عبارت روشن تر، آنچه در قلب معنای justice نشست است، قانون و حکم است؛ یعنی این حکم است که به هر امری، جای و گاه می دهد و آن را سر جاییش می نشاند و موجب نظم و نظام امور می گردد.